

زاد روز

زاد روز

مهر و مسیحیت / "مهر" در کلیسا

سنایی می گوید:

به صاحب دولتی پیوند اگر نامی همی جویی

که از پیوند با عیسی چنان معروف شد یلدا

“زاد روز” برابر نهاد واماژهء سریانی “یلدا” ست و امروزه در میان ایرانیان به جشن آیینی واپسین شب پاییز گفته می شود. از بامداد پس از این شب، شبها کوتاه و روزها رفته رفته بلند و بلندتر می شود. ازینرو می توان پذیرفت که این جشن و آیین برای آغاز بازگشت روشنایی و گرما یعنی تابش بیشتر آفتاب برگزار می شود. آیین جشن گرفتن شب یلدا را به همین انگیزه می توان جشنی از رشته جشنها و آیینهای گرماخواهی و روشنایی جویی دانست که شناخته ترین آنها جشن “سده” و جشن “بهمنجنه” است. از دیگر سو، هر چند خورشید در بُنِ استوره، گردونه و پیماندار “ایزد مهر” است، دبدبه می شود که در گذر روزگاران مهر و خورشید یکی انگاشته شده اند. پس، زایش مهر و باز زایی خورشید رویدادی ست همتک. به ویژه آنکه در استوره، زایش مهر در تیرگی نیمهء شبی دراز روی داده است. باورهای مهری و آیینهای پیوسته بدان در میان مردمانی که با ایرانیان سر و کار داشتند پذیرفته شد، به ویژه رومیان.

برای نمونه نک به Cumont, Franz: Oriental Religions In Roman Paganism, New York, 1956 :

بر این بنیاد جشنهای بزرگ پیوسته به این باور در میان رومیان و شهروندان امپراتوری ایشان پذیرفته شد. در روم و کشورهای زیر فرمانش این جشن، پایان شبهای دراز را زادروز خورشید شکست ناپذیر خواندند؛

Dies Natalis Solis Invicti

این جشن درست در همین بازهء زمانی که امروزه نوئل یا کریسمس را جشن می گیرند برگزار می شده است. چنین می نماید که برگزاری این جشن از سدهء چهارم میلادی در میان مسیحیان پذیرفته شد و رواج یافت. به ویژه آنکه بر پایهء نشانه هایی که در کتاب مقدس می توان دید، نمی توان پذیرفت که زاد روز عیسی مسیح در این هنگام از سال روی داده باشد*.

چنین می نماید که آیین شام فرجامین (آخر) عیسی برگرفته از شام فرجامین میترا ست.

در آیین کهن میترای ایران هنگامی که میترا گاو را کشته خویشکاری اش را به انجام رسانده به کامکاری در بز می با یاران خود خوراک و می نمادین می خوردند و می نوشند و سپس میترا به آسمان بر می شود (عروج می کند).

این سفره میترا " میزد " نام دارد به معنای خوراک مقدس.

گمان می رود که همین سفره فرجامین ایزد مهر با یاران و پیروان خویش را سردمداران و کارگزاران کلیسا برگرفته به نام " شام آخر عیسی با حواریون " در آیین مسیحیت رواج داده اند .

نگاره این جستار: در بخش بالایی سنگ نگاره سفره واپسین یا فرجامین میترا (میزد) با یاران خویش یافت شده در مهرابه مهردینان، و در بخش پایینی تابلوی شام آخر عیسی و حواریون اثر لئوناردو داوینچی را نشان می دهد.
(نگاره برگرفته از: تاریخ جهان)

مهر و آب :

در استوره گفته شده است که مهر/ میثرا در نیمه شبی، در غاری از میان سنگ و آب زاده شد. سنگ_ آب زاده است*. برخی فرامودهای برجسته این باورداشت در زندگی فرهنگی ایرانیان که تا کنون شناسایی کرده ایم چنین است :

۱- زورخانه ها، که یکی از آشکارترین نمونه های پژوهاک باورهای میتراپی در زندگی فرهنگی ایرانیان است. در نمونه های کهن، زورخانه ها در زمینی گود برداری شده در کنار چشمه های آب ساخته می شد. آسمانه این زورخانه ها را نیز با نگاره ستارگان و دیگر پدیده های آسمانی می آراستند. از این نمونه، به ویژه پیرامون شهر کاشان، زورخانه های کهن همچنان بر پاست **.

۲- بسیاری چشمه ها، در سراسر ایران، " چشمه علی " خوانده شده است. می توان به روشنی گمان برد که چون نزد توده، امام علی بن ابیطالب به داد و دلیری نمونه ای این جهانی از مهر دادگر و جنگاور پذیرفته شده، چنین نامگذاری ای پسندیده و بایسته انگاشته شده است .

۳- بسیاری از این چشمه های سنگی که به نام علی خوانده شده در کنار زیارتگاه های زنانه جای دارد. همه این زیارتگاه ها در بُن خود پرستشگاه های "ناهیدی" باستانی ست. یکی از بزرگترین و نامدارترین این گونه جایگاه ها، "چشمه علی" و "بی بی شهربانو" در شهر ری ست ***.

*نک به "Mithra", Philip G. Kreyenbrock and Ahreman in Iranian Cosmogony", ed. John R. Hinnells, L´ erma Rome, 1990, pp, 173, 5, & 6 : Studies in Mithraism

**نک به: فرهنگ و زندگی، شورای عالی فرهنگ و هنر، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۵۱، "ورزش باستانی ایران و آیین مهر"، مهرداد بهار، صص ۷~۱۷

***نک به: یاد بهار، یادنامه دکتر مهرداد بهار، تهران، ۱۳۷۶، "بی بی شهربانو"، نوشته مری بویس، برگردان سیروس نصرالله زاده، صص ۲۲۳~۲۲۵

خاج:

در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی برای یادکرد از مسیحیان سه نامواژه جداگانه به کار می رود و به دید این نگارنده، نامگذاریهایی چند گانه ای که یاد کرده ایم بختامدانه یا خود بخودی نبوده بر پایه شناختی درست و باریک بینانه بوده است :

_ترسا، یعنی کسی که در ترسی همیشگی از نافرمانی از خداست .

– مسیحی/ عیسوی، یعنی کسی که باور به عیسای مسیح را برای رستگاری بسنده می‌داند، همچون پیروان کلیسای مشایخی پروتستان. (Presbyterian).

(پرسبیتری نوعاً بر ملکوت خدا، مرجعیت متون مسیحی، و لزوم فیض از طریق ایمان به مسیح تأکید می‌کند).
– خاج پرست، یعنی کسی که خاج/ صلیب را پدیده‌ای ورجاوند می‌شمرد.

جای یادآوری ست که تا چهار و پنج دهه پیش در برخی جاهای ایران، برای نمونه اصفهان و خوزستان، زنان سالداری مسیحی را خاج خاتون / بانوی صلیب می‌خواندند.
سخن ما درباره همین گروه است:

در آغاز باید گفت که در کلیساهایی که به صلیب باور دارند دو گونه صلیب کاربرد دارد، یکی صلیبی ست که یک شاخه آن بلندتر از آن دیگری ست و به گمان ما باز مانده باورهای کهن "درخت ماه مه" است که در زبان و فرهنگ ژرمنها "Mai Baum" خوانده می‌شود و جداگانه بدان خواهیم پرداخت، و دیگری صلیبی که دو شاخه آن هم اندازه است. این یکی را صلیب ایرانی هم می‌خوانند.

این همان گونه صلیبی ست که نماد خورشید، گردونه میثرا و پیماندار او شمرده می‌شود. نیز درگاه آرامگاه شاهان هخامنشی همین گونه چلیپا ست. نک به:

استوره و آیین: آرامگاه سران، فرهنگ و مهرازی (=معماری)

در همین تارنما.

چلیپای ایرانی

برگرفته از ویکیپدیا

پیام و فرا خوان مسیحیت هنگامی به رومیان رسید که ایشان و شهروندان امپراتوری رومی سخت پایبند نگره مهری شده بودند. به هر روی تا سده چهارم میلادی نشانه‌ای در خور از بودن صلیب در باورهای مسیحیان نمی‌یابیم. در این زمان امپراتور روم خاوری، کنستانتین صلیب را نماد راه درست و مسیحیت خواند.

کلاه:

کشیشان بزرگ و به ویژه پاپ بزرگ همواره کلاه به سر دارند. چنین می‌نماید که کلاه بر سر داشتن را کاری از آیین مسیحی بودن می‌انگارند. هر چند عیسای مسیح همچون هر یک از اسرائیلیان روزگار خود کلاه بر سر نمی‌نهاد و دستار بر سر می‌بست. به هر روی کلاه بر سر داشتن راهبران کلیسای کاتولیک نمادی از مقدس بودن مسیحی نشان داده می‌شود که ریشه‌ای در مسیحیت ندارد.

کلاه بلندی که پاپ در آیینهای رسمی بر سر می‌نهد میترا یا میتر خوانده می‌شود، که نخستین، گونه باستانی نام ایزد و واژه دومی گونه فارسی میانه نام ایزد است که در فارسی نو به گونه مهر در آمده است.

اعتراف:

آیین اعتراف در کلیسای کاتولیک در روزگاری نه چندان دور از زمان ما از آیینهای پایه ای کلیسای کاتولیک شمرده می شد و همه دینباوران ناگزیر بودند که نزد کشیش رفته کارهای خود را به او بگویند. هر چند برابر دیدگاه دیگر کیشهای مسیحیت این کار یکسره نارواست(۱). به هر روی می دانیم اعتراف یکی از آیینهایی بود که در دین مهر رواج داشت. ازینرو می توان گمان برد که چرا داریوش یکم هخامنشی پایوران ساواک خود را چشم و گوش شاه نامید، زیرا شاه نمونهء بزرگ مهر است بر زمین و مهر است که هزار چشم و هزار گوش دارد(۲).

روز خورشید:

مسیحیان نخستین، همچنان شابات/ شنبه را روز پایان هفته را روز غنودن و دست از کار کشیدن می گرفتند(۳).
۱_ برای نمونه نک به Reasoning from the Scriptures, Watchtower Bible and Tract Society, New York, 1989, pp.80~84

۲_ یشتها، پورداود، ابراهیم، تهران، چ ۲، ۱۳۴۷ خورشیدی، مهر یشت، کردهء ۲، فقرهء ۷، ص ۴۲۷

۳_ کتاب مقدس، انجیل لوقا، باب ۲۴، آیهء ۱، و انجیل یوحنا، باب ۲۰، آیهء ۱۹

"روز خورشید (Sunday) از سدهء ۴ میلادی روز دینی پایان هفته گرفته شد، همچون آیین اعتراف.

نیز نک به:

https://www.ciando.com/img/books/extract/3161551184_lp.pdf

<https://www.noor-book.com/en/ebook-The-Oriental-Religions-in-Roman-Paganism-pdf>

افزوده:

*Christmas

M'Clintock and Strong's Cyclopædia says: "The observance of Christmas is not of divine appointment, nor is it of N[ew] T[estament] origin. The day of Christ's birth cannot be ascertained from the N[ew] T[estament], or, indeed, from any other source."—(New York, 1871), Vol. II, p. 276.

Luke 2:8-11 shows that shepherds were in the fields at night at the time of Jesus' birth. The book Daily Life in the Time of Jesus states: "The flocks . . . passed the winter under cover; and from this alone it may be seen that the traditional date for Christmas, in the winter, is unlikely to be right, since the Gospel says that the shepherds were in the fields."—(New York, 1962), Henri Daniel-Rops, p. 228.

The Encyclopedia Americana informs us: "The reason for establishing December 25 as

Christmas is somewhat obscure, but it is usually held that the day was chosen to correspond to pagan festivals that took place around the time of the winter solstice, when the days begin to lengthen, to celebrate the 'rebirth of the sun.' . . . The Roman Saturnalia (a festival dedicated to Saturn, the god of agriculture, and to the renewed power of the sun), also took place at this time, and some Christmas customs are thought to be rooted in this), Vol. 6, p. 666. 1977ancient pagan celebration."—(

The New Catholic Encyclopedia acknowledges: "The date of Christ's birth is not known. The Gospels indicate neither the day nor the month . . . According to the hypothesis suggested by H. Usener . . . and accepted by most scholars today, the birth of Christ was assigned the date of the winter solstice (December 25 in the Julian calendar, January 6 in the Egyptian), because on this day, as the sun began its return to northern skies, the pagan devotees of Mithra celebrated the dies natalis Solis Invicti (birthday of the invincible sun). On Dec. 25, 274, Aurelian had proclaimed the sun-god principal patron of the empire and dedicated a temple to him in the Campus Martius. Christmas originated at a time when the), Vol. III, p. 656. 1967cult of the sun was particularly strong at Rome."—(

Jesus was baptized when he was about thirty years old. (Luke 3:23)

According to the prophecies he would be killed 3 and a half years later (Daniel 9:27).

That happened at the date of the passover in 33 C.E.. In our calledner that would be March or April. Go back 33 and a half years and you'll have roughly the time when Jesus was born. Birthday

Definition: The day of one's birth or the anniversary of that day. In some places the anniversary of one's birth, especially that of a child, is celebrated with a party and the giving of gifts. Not a Biblical practice.

Do Bible references to birthday celebrations put them in a favorable light? The Bible makes only two references to such celebrations:

Gen. 40:20-22: "Now on the third day it turned out to be Pharaoh's birthday, and he proceeded to make a feast . . . Accordingly he returned the chief of the cupbearers to his post of cupbearer . . . But the chief of the bakers he hung up."

Matt. 14:6-10: "When Herod's birthday was being celebrated the daughter of Herodias danced at it and pleased Herod so much that he promised with an oath to give her whatever she asked. Then she, under her mother's coaching, said: 'Give me here upon a platter the head of John the Baptist.' . . . He sent and had John beheaded in the prison."

Everything that is in the Bible is there for a reason. (2 Tim. 3:16, 17) Jehovah's Witnesses take note that God's Word reports unfavorably about birthday celebrations and so shun these.

How did early Christians and Jews of Bible times view birthday celebrations?

"The notion of a birthday festival was far from the ideas of the Christians of this period in general."—The History of the Christian Religion and Church, During the Three First Centuries (New York, 1848), Augustus Neander (translated by Henry John Rose), p. 190.

"The later Hebrews looked on the celebration of birthdays as a part of idolatrous worship, a

view which would be abundantly confirmed by what they saw of the common observances associated with these days.”—The Imperial Bible-Dictionary (London, 1874), edited by Patrick Fairbairn, Vol. I, p. 225.

What is the origin of popular customs associated with birthday celebrations?

“The various customs with which people today celebrate their birthdays have a long history. Their origins lie in the realm of magic and religion. The customs of offering congratulations, presenting gifts and celebrating—complete with lighted candles—in ancient times were meant to protect the birthday celebrant from the demons and to ensure his security for the coming year. . . . Down to the fourth century Christianity rejected the birthday celebration as a pagan custom.”—Schwäbische Zeitung (magazine supplement Zeit und Welt), April 3/4, 1981, p. 4.

“The Greeks believed that everyone had a protective spirit or daemon who attended his birth and watched over him in life. This spirit had a mystic relation with the god on whose birthday the individual was born. The Romans also subscribed to this idea. . . . This notion was carried down in human belief and is reflected in the guardian angel, the fairy godmother and the patron saint. . . . The custom of lighted candles on the cakes started with the Greeks. . . . Honey cakes round as the moon and lit with tapers were placed on the temple altars of [Artemis]. . . . Birthday candles, in folk belief, are endowed with special magic for granting wishes. . . . Lighted tapers and sacrificial fires have had a special mystic significance ever since man first set up altars to his gods. The birthday candles are thus an honor and tribute to the birthday child and bring good fortune. . . . Birthday greetings and wishes for happiness are an intrinsic part of this holiday. . . . Originally the idea was rooted in magic. . . . Birthday greetings have power for good or ill because one is closer to the spirit world on this day.”—The Lore of Birthdays (New York, 1952), Ralph and Adelin Linton, pp. 8, 18-20.

Wholesome gatherings of family and friends at other times to eat, drink, and rejoice are not objectionable

Eccl. 3:12, 13: “There is nothing better for them than to rejoice and to do good during one’s life; and also that every man should eat and indeed drink and see good for all his hard work. It is the gift of God.”

See also 1 Corinthians 10:31.

دیدگاه کارل گوستاو یونگ جایگاهی ویژه دارد، چه، خودِ مردی دینباور و زاده و پروردهء خاندانی دینیار بود؛ پدر و هشت عمو و پدر بزرگ مادری وی همه کشیش بودند.